

طرق حل و فصل مسالمت آمیز تعارضات بین المللی در الگوی اسلامی و غربی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال پنجم، شماره ۱۹،
صفحات ۱۹-۱

فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران ZZnafar@gmail.com

زینب نفر

روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران Za.ahmadi1370@gmail.com

زهرا احمدی

چکیده

از دیرباز صلح و روابط مسالمت آمیز مهم ترین روش حل و فصل منازعات بین دول محسوب می شد. کنفرانس های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ صلح لاهه، اولین نمونه بارز تلاش های جامعه بین الملل است که سازوکارهای سازمان یافته ای را برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات تدوین نموده است. جهان اسلام در قرن حاضر با پدیده اسلام هراسی به ویژه در جهان غرب روبروست که باعث شده که مبانی ناب اسلام در مسائل متعدد از جمله رویکرد فقه اسلامی به حل مسالمت آمیز اختلافات از دیدگان به دور ماند. همین امر، ضرورت واکاوی حل و فصل صلح آمیز منازعه از دیدگاه آموزه های اسلامی و حقوق بین الملل را با بهره گیری از روش تحلیلی- توصیفی برجسته می نماید. طبق نتایج پژوهش پیش رو مذاکره یکی از مهم ترین راهکارهای مسالمت آمیز برای حل و فصل اختلافات است که منشأ ثابتی در قرآن و سنت دارد. بعلاوه، قواعد آن در فقه بیشتر با اصول مدرن مذاکره سازگار است و با موفقیت برای حل مسالمت آمیز برخی از بحران ها اعمال شده است. اصطلاح میانجیگری در فقه اسلامی با مفهوم آشتی ارتباط تنگاتنگی دارد، در نهایت، تجزیه و تحلیل منشورهای عصر نبوی نشان می دهد که پیامبر اکرم (ص) در توسعه چندین شیوه حل اختلافات که در نظریه های مدرن نیز وجود دارد، پیشگام بوده اند و اسلام پیش از حقوق بین الملل به مسئله حل مسالمت آمیز اختلافات پرداخته است.

روش های مسالمت آمیز، حل اختلافات، فقه اسلامی، حقوق بین الملل.

واژگان کلیدی:

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 19

Pages 19

Challenges to improving the performance of judicial officers in dealing with the accused

Zainab Nafar

Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran

Zahra Ahmadi

International Relations, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

Abstract

Peace and peaceful relations have long been considered the most important method of resolving conflicts between states. The Hague Peace Conferences of 1899 and 1907 are the first clear examples of the international community's efforts to develop organized mechanisms for the peaceful resolution of disputes. In the current century, the Islamic world is facing the phenomenon of Islamophobia, especially in the Western world, which has caused the pure foundations of Islam in many issues, including the approach of Islamic jurisprudence to the peaceful resolution of disputes, to be overlooked. This highlights the need to analyze the peaceful resolution of conflicts from the perspective of Islamic teachings and international law using the analytical-descriptive method. According to the results of the present study, negotiation is one of the most important peaceful solutions for resolving disputes, which has a proven origin in the Quran and Sunnah. In addition, its rules in jurisprudence are more compatible with modern principles of negotiation and have been successfully applied to the peaceful resolution of some crises. The term mediation in Islamic jurisprudence is closely related to the concept of reconciliation. Finally, an analysis of the charters of the Prophetic era shows that the Prophet (PBUH) pioneered the development of several methods of dispute resolution that are also present in modern theories, and Islam addressed the issue of peaceful dispute resolution before international law.

Keywords: Peaceful methods, dispute resolution, Islamic jurisprudence, international law.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

یکی از پرچالش‌ترین موضوعات روابط بین‌الملل، حل‌وفصل منازعات و تعارضات بین دولت‌ها است که سابقه‌ای طولانی دارد. در تاریخ اسلام تلاش‌ها برای حل این تعارضات از همان سده نخست آغاز شده است؛ هرچند که ورود این مسئله به جامعه دانشگاهی به‌عنوان یک حوزه دانش تا دهه پنجاه قرن بیستم آغاز نشده بود. با گذشت زمان، در زمینه‌های مختلف شاهد رشد تصاعدی این موضوع بوده ایم. این امر در بسیاری از برنامه‌های دانشگاهی قرار گرفت و مراکز، سازمان‌ها و مجلات تخصصی در این زمینه تأسیس شد. (Babbitt and Hampson 2011) پس از پایان جنگ سرد، درگیری‌های قومی گسترش یافت. در نتیجه زمینه‌های جدیدی برای واکاوی تأثیر دین بر گسترش صلح گشوده شد. (Hogan 1992, 21) در قرن حاضر جهان اسلام با پدیده اسلام‌هراسی به‌ویژه در جهان غرب مواجه است و در چنین فضایی مباحثی چون درگیری‌ها در شرق و تضاد ادعای تمدن غرب و اسلام بار دیگر برجسته شده است. همین امر، ضرورت بررسی حل‌وفصل صلح‌آمیز منازعه از دیدگاه اسلام را برجسته می‌کند. این مطالعه به روش‌شناسی مرسوم برای نگارش و مستندسازی تحقیق پایبند بوده است و براساس روشی توصیفی-تحلیلی با هدف در پیش گرفتن تحلیل راهکارهای مسالمت‌آمیز حل اختلافات در آموزه‌های اسلامی و حقوق بین‌الملل نگاشته شده است.

از این رو، این پژوهش درصدد پاسخ به این مسئله است که روش‌های مسالمت‌آمیز حل‌وفصل تعارضات در رویکرد فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل چگونه بوده است؟ براین بنیاد، در تلاش است تا به واکاوی سازوکارهای موجود

در فقه اسلامی در ارتباط با حل مسالمت‌آمیز منازعات و تعارضات بپردازد. از سوی دیگر، سعی بر آن است تا به جوامع اسلامی برای حل‌وفصل منازعات خود به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز کمک نماید. گفتنی است دین نقش فعالی در کاشت بذر بردباری و شفقت دارد اگرچه گاهی برای دامن زدن به خشونت مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. (Seul 1999) این موضوع غالباً مبتنی بر اندیشه‌های غربی است. در همین راستا، نخست تعریف مفهوم حل تعارض و مبانی فکری مبتنی بر آن میان رویکرد اسلامی و غربی همچنین نظریه‌های مرتبطی چون صلح لیبرال، همگرایی و مدینه صلح فارابی مورد واکاوی قرار می‌گیرد، سپس راهکارهای مسالمت‌آمیز حل‌وفصل منازعات بین این دو رویکرد را بررسی نموده و در نهایت نیز به کاربرد راهبردهای استراتژی حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات در اسلام پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

قربان نیا در مقاله خود «فقه و حقوق بین‌الملل» (۱۳۷۹) بر این باور است که: اگر به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن بنگریم قواعد اساسی مربوط به جنگ، شیوه‌ها و روش‌های جنگ، حفظ مردم غیرنظامی، حمایت از اهداف غیرنظامی و رفتار با آسیب‌دیدگان و کشته شدگان، حقوق اسیران و مانند آن را مشاهده می‌کنیم که در فقه اسلامی تمامی این امور به طور دقیق تبیین شده است. در واقع مقاله وی بیشتر بر وضعیت جنگی حاکم است. ریچموند نیز در کتاب خود تحت عنوان «حفظ نظم، ایجاد صلح (مسائل جهانی)» (۲۰۰۲) چارچوب شکست‌های سیستم بین‌المللی و ستفالیها، رویکردهای حفظ صلح، میانجیگری و مذاکره، حل‌وفصل مناقشه، ایجاد صلح

النقيضين من كل واحد من الخصمين» به معنای رفتن هر یک از دو طرف خصومت به سوی حالت افراطی است. (ابن عقیل ۲۰۰۹، ۱۳) از سوی دیگر، فتلاوی نیز، در ساده‌ترین تعریف تعارضات بین‌المللی را دعای متناقض بین دو یا چند شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌داند. (الفتلاوی، ۱۹۸۶، ۲۵)

- تعریف تعارض و حل تعارض از دیدگاه غربی: در تصمیمی که در ۳ اوت ۱۹۲۴ در مورد «امتیازات فلسطین ماوروماتیس» بین بریتانیا و یونان صادر شد، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تعارض را اینگونه تعریف می‌کند: «این اختلاف بین دو دولت بر سر یک موضوع حقوقی، حادثه‌ای خاص یا به دلیل تضاد دیدگاه‌ها یا منافع حقوقی آنها است». با این حال، حل تعارض، اصطلاح مدرنی است که تعریف اجماعی درباره آن وجود ندارد. تفاوت تعاریف نه تنها در مورد چارچوب‌های تحلیلی آن بلکه در سطح اصطلاحاتی که برای بیان این چارچوب‌ها استفاده می‌شود؛ قابل مشاهده است. به طور کلی، معنای این اصطلاح را می‌توان در ابتدا راهکار مسالمت‌آمیز و قابل قبول طرفین تعریف کرد. در تعریف دیگری «حل تعارض وضعیتی است که در آن طرف‌های مناقشه توافقی را منعقد می‌کنند که نقاط اصلی ناسازگاری خود را مرتفع کرده، بقای یکدیگر را بپذیرند، و تمامی اعمال خشونت‌آمیز متقابل را متوقف کنند». (Reimer, et al., 2015, p. 2) از این رو، حل تعارض فرآیندی است که به دنبال ترویج آشتی از طریق حل‌وفصل نارضایتی‌ها در بطن یک درگیری خاص قرار دارند. (Grant & Kirton, 2007, p. 24) و با مشکلات به گونه‌ای برخورد می‌کند که تا حد امکان رضایت همه طرف‌ها را بدست آورد.

و عملیات صلح سازمان ملل را بررسی می‌کند. کتاب والنستین «درک حل تعارض: جنگ، صلح و سیستم جهانی» (۲۰۱۱) درک حل تعارض مبتنی بر تحقیقات اخیر و کلاسیک از سراسر جهان است که نظریه حل تعارض را با مطالعات موردی عمیق در سراسر جهان مرتبط و سؤالات کلیدی را در مورد آینده حل تعارض مطرح می‌کند. بخش اول به بررسی توسعه حل مناقشه از زمان جنگ سرد می‌پردازد و رویکردهای مختلف برای تحلیل تعارض را نشان می‌دهد. هسته اصلی کتاب حل‌وفصل سه نوع اصلی درگیری بین‌المللی را بررسی می‌کند: بین دولتی، داخلی و شبه دولتی. در بخش پایانی، رویکردهای منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله تحولات اصلاحات سازمان ملل و اهمیت روزافزون سازمان‌های مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جان کولیر و همکارش نیز در کتاب «حل‌وفصل اختلافات در حقوق بین‌الملل» (۲۰۰۰) در تلاش اند طیف وسیعی از رویه‌های حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی، چه اختلافات بین دولت‌ها یا بین دولت‌ها و شرکت‌ها یا افراد را بررسی می‌کنند. بخش اول کتاب به بررسی رویه‌های غیرقضایی مانند مذاکره، میانجی‌گری، حقیقت‌یابی و رویه‌های قضایی می‌پردازد. در بخش دوم کتاب اصول نوظهور حقوق آیین دادرسی اعمال شده در دادگاه‌ها مورد بحث قرار گرفته است.

۲. چهارچوب نظری

۲.۱. مفهوم شناسی:

-تعریف تعارض و حل تعارض از دیدگاه اسلامی: تعارض کلمه عربی است. در زبان عربی مترادف این لغت را «خصومت» می‌دانند. (ابن منظور ۱۹۹۳، ۳۵۱) ابن عقیل این لغت را چنین تعریف می‌کند: «الذهاب إلى أحد

رویکردهای پایین به بالا همچنین فعالیت های نیاز محور و حوزه هایی چون رفاه و عدالت اجتماعی باور دارد که مترادف با صلح مدنی در نظر گرفته می شود و عموماً تحت مدیریت دولت ها نیست، بلکه متأثر از بخش های خصوصی و جنبش های اجتماعی می باشد. با این حال، نباید از یاد برد که تعریف صلح سازی کار ساده ای نیست و ایجاد تمایز دقیق میان این مفهوم و سایر مفاهیم مانند تثبیت پس از منازعه و پیشگیری از منازعه پیچیده خواهد بود. (شفيعی و نوریان، ۱۳۹۳) البته باید در نظر داشت که، نظریه لیبرالی حقوق بین الملل، از مداخله و اعمال فشار که ممکن است منجر به تنش بین المللی یا حتی به کارگیری زور شود؛ امتناع نمی کند. از منظر نظریه لیبرالی حقوق بین الملل، با توجه به اینکه تحقق صلح، می تواند تغییراتی در ساختار سیاسی در سطح جهانی ایجاد کند، نباید از به کارگیری به زور که نهایتاً به تحقق صلح لیبرالی منجر شود، سرافکننده بود. با توجه به مورد گفته شده نباید از تعجب کرد که در بطن نظریه لیبرال، دیالکتیکی از صلح، جنگ، آزادی و بربریت وجود دارد. به همان اندازه که لیبرالیسم می تواند صلح را به همراه داشته باشد؛ از سوی دیگر می تواند دستاویز و توجیه برای وقوع جنگ شود. (ابراهیم گل و کریمی ۱۳۹۶)

۲.۳. نظریه همگرایی

همگرایی را می توان شرایطی را تعریف کرد که در آن گروه ها، سازمان ها، نهادها و یا کشورها در راستای حفظ و تحقق منافع جمعی به همکاری و مشاکت با یکدیگر متمایل می شوند و در برخی از شرایط نیز به سوی نوعی یکپارچگی و وحدت پیش می روند. سابقه همگرایی به اندازه شکل گیری جامعه بشری است طوری که در آثار اندیشمندانی

در خصوص چهارچوب نظری این پژوهش می توان به نظریه صلح لیبرال و همگرایی برای الگوی غربی و همچنین نظریه مدینه صلح فارابی برای الگوی اسلامی اشاره داشت که سعی شده از کلیات این موارد رهیافت مشخصی برای پژوهش استنتاج شود که در ادامه به آن اشاره کرده ایم:

۲.۲. نظریه صلح لیبرال

صلح لیبرال که برای اولین بار توسط کانت در قرن ۱۸ میلادی ارائه شد را می توان از مهم ترین نظریات در حوزه صلح دانست. این نظریه ریشه در لیبرالیسم دارد که موضوعاتی چون وابستگی متقابل، دموکراسی، حقوق بشر را نیز تحت شعاع خود قرار داده است. (Tziarrras 2012) در نوع ارتدکس صلح لیبرال، بر اصلاح چهارچوب ها و نهادها و ساختار حکمرانی تاکید بیشتری شده است. بعلاوه، این چارچوب بر رضایت طرفین مذاکره، استوار است که عمدتاً از نخبگان جامعه می باشند. با این حال، این الگو گرایشی از پایین به بالا دارد که از مسیر فعالیت های بنیادی و جامعه مدنی محور در حوزه صلح سازی محقق می شود ولی چیرگی رویکرد بالا به پایین که فرآیند صلح سازی از طریق سازمان ملل، برخی دولت ها، اعطاء کنندگان کمک و مقامات و نخبگان محلی هدایت می میشود، مشهود است. در نوعی دیگری شاهد الگوی رهایی بخش، با شکل و روشی انتقادی تر نسبت به صلح لیبرال، هستیم که ارتباطی نزدیکتر میان مفاهیم رضایت و سرپرستی با تصدیگری محلی برقرار می کند و معمولاً نسبت به شرایط اجبار، مشروط سازی و وابستگی که در الگوهای محافظه کارانه و ارتدوکس وجود دارد، موضع انتقادی داشته است. مدل رهایی بخش به

چیزی به توافق می‌رسند. (کولائی، دکتر الهه ۱۳۷۹، ۱۷۲) کنش میان دولت‌ها در طیفی از همگرایی تا واگرایی قابل تعریف است. هر دولت نسبت به دولتی دیگر در جایی از این طیف قرار دارد. نظریات همگرایی با تکیه بر ایجاد همکاری و تمایل میان دولت‌ها، سعی در آن دارد تا مجموعه‌ای از کشورهای متجانس را به سمت همگرایی این طیف سوق دهد. هدف از این نظریات نیز همچون دیگر نظریات روابط بین‌الملل پیشگیری از وقوع جنگ است، لیکن این نظریات همچون دیگر نظریات لیبرال با تأکید بر اشتراکات و نقاط موافق میان دولت‌ها سعی در تحقق این هدف دارند. هرچند خوانش غالب از نظریات همگرایی منتج از تجربیات غربی و اروپامحور که بر پایه همکاری‌های اقتصادی است می‌باشد، اما این بدان معنا نیست که این دستورالعمل برای تمامی کشورها قابل تجویز است. (میرمحمدی و کریمی شیروودی، ۱۴۰۲)

۲.۴. نظریه مدینه صلح فارابی

در دیدگاه فارابی، اساساً صلح تنها فقدان جنگ و نزاع نیست و مفهومی سلبی و سنتی ندارد. بلکه در نگرش او، صلح همون وجود آرامش مبتنی بر اعتدال و عدالت در درون و برون آدمی یعنی در نفس و در جامعه است. در نگرش ابونصر محمد فارابی، مدینه فاضله، مدینه المسالمة یا مدینه صلح و امنیت (مدینه مسالمت) باید دانست که مسالمت از ریشه و مترادف صلح و مصالحه و سلم آمده است. لذا مفهوم مسالمت بیانگر زندگانی مبتنی بر آرامش، امنیت و سلامتی می‌باشد. در چنین نگرشی منشا و اساس اولیه صلح در

چون ارسطو و افلاطون و اگوستین قدیس و ابن خلدون و هگل بدان اشاره شده است. (کاظمی ۱۳۷۰، ۳۳) با این حال، همگرایی به عنوان یک نظریه برای اولین بار توسط یک محقق انگلیسی به نام دیوید میترا نی در فاصله میان دو جنگ جهانی ارائه شد. درواقع، همگرایی^۱ و واگرایی^۲ دو رفتار متضاد در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی هستند. حاصل همگرایی، صلح و حاصل واگرایی تنش و منازعه است. همگرایی هماهنگی و سازگاری دولت‌های مشارکت‌کننده را به ارمغان می‌آورد چیزی که ما به آن صلح می‌گوییم. (کریمی، قادری حاجت، و الهوردیزاده، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۷) یکی از برجسته‌ترین نوکارکردگرایان که جانی تازه به نظریه همگرایی بخشید، ارنست هاوس است. هاوس فرایندی را مورد توجه قرار می‌دهد که طی آن بازیگران؛ منافع عقلانی خود را در حال تحقق می‌بینند. همچنین وی شیوه‌های مختلف حل تعارضات را مورد توجه قرار داده و آن را معیار مناسبی برای ارزیابی روند همگرایی و ایجاد صلح قلمداد کرده است. او سه نوع سازش را در روند مذاکرات بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهد. ۱. توافق و سازش بر سر حداقل مشترکات که طی آن طرفین از طریق مذاکرات و چانه زنی، تبادل نظر و امتیاز به تدریج خواسته‌های متضاد خود را کاهش می‌دهند. ۲. توافق از طریق گرفتن خط وسط که بازهم خواسته‌ها کاهش و تعدیل می‌یابد. ۳. توافق از طریق ارتقای آگاهانه منافع عمومی طرفیت که الگوی یک جامعه سیاسی توسعه یافته است. این روش بیانگر تحقق همگرایی است. طرفین بدون از دست دادن

نباید از فراموش کرد که سکوت صلح طلبان در برابر نقض مستمر عدالت، آنها را شریک جرم ظالمان قرار می‌دهد. (Sachedina 1996, 147). عدالت در اسلام فضیلت عالی و الزام آور است که در متون قرآن کریم و سنت پیامبر به کرات آمده است. (Hashmi 2002, 162) از اینرو، ابن مسکویه (متوفی ۱۰۳۰/۴۲۱) آن را رکن فضایل، و هسته اخلاق اسلامی دانسته است. (ابن مسکویه، ۱۹۹۱، ۳۲)

به تصدیق قرآن کریم، هر مسلمانی بدون استثناء موظف به اتخاذ رویکرد عدالت در تمام امور و معاملات خود است. (سوره نساء، آیه ۱۳۵) در آیه ۹۰ سوره نحل نیز خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد. تنها شرایطی که شرع اجازه عدم اجرای عدالت را می‌دهد در مورد صدقه است؛ زیرا احسان، به اشاره راغب اصفهانی، بالاتر از عدالت است. (الراغب الاصفهانی ۱۹۹۲، ۲۳۶) در همین چارچوب، اسلام عدالت را لازمه حفظ امنیت، ثبات و صلح در سطح داخلی و خارجی می‌داند. در سطح داخلی، عدالت حاکم ملت را به دستیابی و حفاظت از آن سوق می‌دهد، برخلاف ظلمی که منجر به اختلال و آشفتگی امنیت می‌شود. در واقع، هر نظم جهانی عاری از عدالت، تنش و اختلاف ایجاد می‌کند. عدالت کلید صلح پایدار است، صلح و عدالت را نمی‌توان از هم جدا کرد. (Khadduri 2002, 162)

در دیدگاه غربی، صلح بر عدالت ارجح است. با این وجود به اعتقاد پل سالم^۱، این امر در راستای محافظت از هژمونی غرب و حفظ دستاوردهای صلح امپراتوری است، در واقع، ایدئولوژی صلح وضعیت موجود را به نفع قدرت

درون انسان است و تا درون انسان‌ها به صلح نرسد نمود بیرونی پیدا نمی‌کند. بنابراین صلح نه امری بیرونی و برساخته بلکه امری درونی است و با اراده و قوای انسانی قابلیت تحقق می‌یابد. سپس فارابی این موضوع را به جامعه جهانی بسط می‌دهد. او بر پنج رکن اصلی از جمله عدالت، فضیلت، سعادت و معرفت عمومی نسبت به آن و همچنین تعاون امت‌های فاضله برای رسیدن به سعادت، رهبری یا حکمرانی فاضله، آرا و کنش‌های فاضله جهانی و برابری نوع انسان برای تحقق صلح تاکید می‌کند. (محمدحسین ۱۳۹۶) نظریه صلح فارابی با ایجابی دانستن صلح، توحید محوری، تکیه بر سعادت و فضیلت و عادلانه دیدن صلح و تمرکز بر نوع بشر و نیازها و ویژگی فطری او از یک سو و از سوی دیگر با طرح اعتدال و صلح درونی و ربط تحقق صلح به کمال طلبی انسان و رضای حق تعالی و متعالی ساختن آن همراه با رعایت مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی به لحاظ نظری توانایی تحقق صلح پایدار و جهانی را داراست. (جمشیدی ۱۳۹۶)

از مجموعه نظریات فوق، در راستای چهارچوب بندی پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که در فقه اسلامی اولویت با رویکرد مسالمت‌آمیز برای تحقق عدالت است و اگر تلاش‌های مسالمت‌آمیز به هدف خود نرسد، راهکارهای دیگری را برای حل منازعه ارائه می‌دهد. رویکرد مسالمت‌آمیز به معنای نفی هرگونه خشونت، مخالفت با جنگ و هرگونه خصومت مسلحانه، قبل از تحقق عدالت است، خشونت جایگاهی در آموزه‌های قرآن ندارد. البته

یک جزء خاص ناگزیر به معنای سهم طرف مقابل از باطل در همان قسمت است، امکان جمع صدق و کذب در یک جزء وجود ندارد. این با قوانین تفکر ارسطو^۱ که توسط تمدن غرب پذیرفته و پس از مدرنیته کنار گذاشته شد، مطابقت دارد. در واقع به اعتقاد فلسفه غرب، تضادها به همان اندازه که «حل شدنی» هستند «طبیعی» هستند. (Wallensteen 16, 2011) مطابق دیدگاه نظریه پردازان غربی حل تعارض یک فرض اساسی دارند: «تعارض می تواند و باید به طور کامل حل شود» (Irani and Funk 1998) و این امر با سایر روش های فرهنگی حل تعارض در تضاد است. بسیاری از فرهنگ ها، از جمله فرهنگ اسلامی، دیدگاهی واقع بینانه دارند، زیرا بسیاری از تضادها ممکن است حل نشدنی باشند. البته این بدان معنا نیست که اسلام منطق برخورد تمدن ها را که ساموئل هانتینگتون در کتاب «برخورد تمدن ها» بیان کرده بود، (Huntington 2011) اتخاذ می کند. بلکه اسلام به سوی مکانیسمی برای دفاع از حق، نه برای حذف دیگری حرکت می کند. رویکردی که در صورت عدم تعادل یکی از طرفین، با ایستادگی در برابر ظالم و باز داشتن او از تجاوز، تعادل عدالت را به سطح خود باز می گرداند. صلح و حل منازعات بر اساس دیدگاه اسلام، مبتنی بر ارزش های عدالت و مفهوم محکم حق است، حتی اگر این امر به لاینحل ماندن برخی منازعات در صورت عدم سازش بین المللی منجر شود. مانند رویکرد اسلامی ایران به مسأله احقاق حق فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی.

مسلط تقویت می کند. (Salem 2007) برخی معتقدند که سیاست های غرب برای حل تعارض و منازعه، چه در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، چه در شورای امنیت سازمان ملل متحد و چه در جاهای دیگر، به عنوان ترفندهایی صرفاً برای خنثی کردن مخالفت با وضعیت موجود تلقی می شود. بر این اساس، در الگوی غربی صلح مفهومی سیاسی شده است که متأثر از میراث نظام وستفالی با محوریت دولت و حاکمیت مطلق آن است لیکن الگوی غربی موفق به رسیدگی بسیاری از موضوعات نادیده گرفته شده من جمله؛ تعارضات هویتی، امنیت انسانی و توانبخشی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نشد. (Richmond 2002, 2)

در فلسفه غرب، براساس نظریه مبهم نسبیت - که پس از جنگ جهانی دوم پذیرفته شد حق، رویکردی نسبی دارد و از این رو، عدالت ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر یا از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد. بنابراین رویکرد غربی برای حل و فصل منازعات بر لزوم درک متقابل طرف های درگیر - با این احتمال که طرف دیگر نیز درست می گوید- تأکید دارد و اجازه می دهد مشکل به گونه ای حل و فصل شود که طرفین راضی باشند. (Rapoport 2012, 24) در فقه اسلامی این حالت جایز نیست. مفهوم حق ثابت است و به دور از گرایش های استدلال های فلسفه غرب است.

رابطه حق و باطل در فقه اسلامی، معادله صفر و یک تعیین شده است. به عبارت دیگر سهم من از حق در

^۱ از جمله مهمترین این قوانین: قانون عدم تضاد، به این معنی که نمی توان چیزی را همزمان با یک صفت و متضاد آن مشخص کرد. (ظاهر، ۱۳۹۳، ص ۱۴)

۳. راهکارهای مسالمت‌آمیز حل تعارضات از منظر الگوی غربی و اسلامی

روش‌های موجود برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی متنوع است. در ماده ۳۳/۱ منشور ملل متحد آمده است که «طرفین هر اختلاف که ادامه آن ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره- میانجیگری - سازش - داوری - رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر روش‌های مسالمت‌آمیز بنابه انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند». (UNIC 1945) بر این اساس، منشور وجود سه روش اساسی را برای حل و فصل اختلافات به رسمیت می‌شناسد: ۱. مذاکره مستقیم بین طرفین درگیر است. ۲. اشکال مختلف میانجیگری ۳. روش‌های قانونی الزام آور مانند داوری و قضاوت است. در این پژوهش به دو مورد اول می‌پردازیم.

۳-۱. مذاکره

مذاکره به ارتباطات بین دو یا چند دولت، به منظور دستیابی به تفاهم بین آنها در مورد موضوعات مهم صورت می‌گیرد؛ اشاره می‌کند. (Oppenheim 2005, 643) دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری^۱ در تصمیم خود در ۳ اوت ۱۹۲۴، مذاکره را اینگونه تعریف کرد: «روند اداری، قانونی و سازمان‌یافته است که در مسیر آن، دولت‌ها در اعمال اختیارات مسلم خود برای مدیریت روابط خویش با یکدیگر، بحث، تعدیل و حل و فصل اختلافات متعهد می‌شوند.»

۳. راهکارهای مسالمت‌آمیز حل تعارضات از منظر الگوی غربی و اسلامی

روش‌های موجود برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی متنوع است. در ماده ۳۳/۱ منشور ملل متحد آمده است که «طرفین هر اختلاف که ادامه آن ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره- میانجیگری - سازش - داوری - رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر روش‌های مسالمت‌آمیز بنابه انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند». (UNIC 1945) بر این اساس، منشور وجود سه روش اساسی را برای حل و فصل اختلافات به رسمیت می‌شناسد: ۱. مذاکره مستقیم بین طرفین درگیر است. ۲. اشکال مختلف میانجیگری ۳. روش‌های قانونی الزام آور مانند داوری و قضاوت است. در این پژوهش به دو مورد اول می‌پردازیم.

۳-۱. مذاکره

مذاکره به ارتباطات بین دو یا چند دولت، به منظور دستیابی به تفاهم بین آنها در مورد موضوعات مهم صورت می‌گیرد؛ اشاره می‌کند. (Oppenheim 2005, 643) دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری^۱ در تصمیم خود در ۳ اوت ۱۹۲۴، مذاکره را اینگونه تعریف کرد: «روند اداری، قانونی و سازمان‌یافته است که در مسیر آن، دولت‌ها در اعمال اختیارات مسلم خود برای مدیریت روابط خویش با یکدیگر، بحث، تعدیل و حل و فصل اختلافات متعهد می‌شوند.»

شایان ذکر است که نقض فرآیند مذاکره، زمانی ظاهر می‌شود که تلاش برای حل و فصل بین طرفین نابرابر اغلب با تحمیل اراده‌ی طرف قوی‌تر به طرف ضعیف‌تر خاتمه می‌یابد. (Mani and Ponzio 2018) مذاکره مؤثر سه کارکرد دارد: تشخیص، فرمول‌بندی و کاربرد. فرایند تشخیص در تلاش برای درک مشکل است و طرفین چه می‌خواهند. فرمول به معنای فرآیند یافتن معادله‌ای برای خلاصه کردن مسأله است و در کاربرد با به کارگیری این معادله درصد ایجاد توافق بین دو طرف است. زرتمن نشان می‌دهد که

فرمول‌بندی یک مسئله اغلب بر مبنای عدالت نیست. بلکه با توجه به منافع حیاتی برای دو طرف است. (Zartman, Negotiation: Theory and Reality 1973) از آنجایی که حقوق بین‌الملل شکل خاصی را برای انجام مذاکرات بین‌المللی پیش‌بینی نمی‌کند؛ پس مذاکرات به حل‌وفصل اختلافات محدود نمی‌شود بلکه ممکن است برای توسعه روابط بین کشورها استفاده شود. (Rogoff 1994) چنین مذاکراتی از طریق تبادل ارتباطات کتبی یا شفاهی یا هر دو به صورت دوجانبه یا چندجانبه انجام می‌شود. (Przetacznik 1983, 253)

اسلام، رویکرد مذاکره را در همان دوره پیامبر اکرم (ص) در پیش گرفت. محققان مسلمان این روش را نوعی گفتگوی جدی و قاطع بین مسلمانان و دیگران برای پایان دادن به اختلافات یا گسترش دعوت اسلام یا برقراری روابط حسنه همجواری یا انعقاد معاهدات توصیف می‌کنند. (الزحلی ۱۹۹۳) آیات قرآن کریم نیز بر حقانیت آن دلالت دارد، «و اگر به صلح گراییدند تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست» (سوره الأنفال، آیه ۶۱) با این حال، صلح پس از مذاکره برای توافق بر سر قوانین و مقررات محقق می‌شود. قانونی بودن مذاکره در اسلام از سنت پیامبر (ص) است. ایشان در اولین و دومین بیعت عقبه با اوس و خزرج مذاکره کردند. همچنین می‌توان به مذاکرات صلح حدیبیه در سال ششم هجرت اشاره کرد. (ابن هشام ۱۹۹۲) گفتنی است دولت اسلامی در مذاکرات برون دینی خود باید به گونه‌ای سیاستگذاری نماید که در موضع ضعف قرار نگیرد و نسبت به کفار، از موضع علو، استیلا و عزب وارد مذاکرات شود. از فقهای پیشین که به ابزار مذاکره تحت عنوان «المُراوَصَة» می‌پرداختند؛ می‌توان به محمد بن الحسن شیبانی (متوفی ۸۰۵/۱۸۹) اشاره کرد که فصلی

جداگانه‌ای را در کتاب خود به نام «السير الكبير» بدان اختصاص داده است که در آن به مذاکرات پیامبر (ص) اشاره می‌کند و با استنباط از آن در چندین نوبت و به نحوه مذاکرات و آنچه زرتمن در مورد لزوم کاهش توقعات طرف مقابل اشاره کرده می‌پردازد. (السرخی ۱۹۹۷، ۳۷-۴۲) شیبانی - قرن‌ها پیش از محققان غربی تأکید کرده است که مذاکره کننده مسلمان باید محاسبه کند که چه امتیازاتی می‌تواند پیشنهاد و چه چیزهایی می‌تواند مطالبه می‌کند تا به هدف خود برسد. (ضمیریه ۱۹۹۹، ۶۶۵) فقه اسلامی برای جهت دهی مذاکره با دول غیر مسلمان، اصول و قواعدی پیش‌بینی کرده است که برخی آن‌ها حکم اسناد بالادست را دارد که به هیچ وجه در فرایند مذاکرات با دولت‌های غیر مسلمان قابل چانه زنی و سازش نیستند مانند قاعده نفی سلطه که یکی از قواعد مهم فقهی است که استقلال و مصالح جامعه مسلمانان را تضمین می‌کند و قاعده تناسب رفتاری که براساس آن پایبندی به تعهدات در برابر بیگانگان تا جایی است که آنان به تعهدات خود عمل کنند. (مهدی، مظهر قراملکی و حسینی ۱۳۹۷)

۲-۳. میانجیگری

میانجیگری اصطلاحی است که به شکلی داوطلبانه به مدیریت مسالمت‌آمیز مناقشه اشاره دارد که شامل یک طرف خارجی یا شخص ثالث است که مسئولیت کمک به طرفین را برای حل اختلاف بر عهده دارد. (Zartman 2001) فرایندی از مدیریت تعارض، که در آن، منازعه‌کنندگان برای حل‌وفصل اختلاف خود بدون توسل به زور فیزیکی یا استناد به قدرت قانون از یک فرد، گروه، کشور یا سازمان درخواست کمک می‌کنند یا پیشنهادی را می‌پذیرند. (Bercovitch, Anagnoson and Wille 1991) میانجیگری در تعدادی از

است. (Kleiboer 1998, 55) میانجیگری ایده آل منجر به توقف خشونت، ارتقاء روابط بین طرفین درگیر به سطح بهتر، انعقاد قراردادهایی و ایجاد ضمانت‌هایی برای اجرای این موارد می‌شود که به هر یک از طرفین اجازه می‌دهد چهره خود را در سطح بین‌المللی و محلی حفظ کنند. (Susskind and Babbitt 1994) توافق نامه‌های فرآیند میانجیگری، مستقیماً متأثر از طیف‌های مختلف مهارت‌ها و تجربه میانجیگر در انجام مذاکرات است. میانجیگر باید تجربه بالایی متناسب با جدیت وظیفه خود و دانش گسترده‌ای از محیط درگیری داشته باشد و از توانایی‌های تحلیلی بالایی برخوردار باشد. علاوه بر موارد فوق، بی‌طرفی میانجیگر عامل تعیین‌کننده‌ای در تسهیل ارتباط بین طرفین و ایجاد آنچه کانال ارتباطی نامیده می‌شود است. (Żakowska 2017)

با تتبع متون کهن اسلامی می‌توان دریافت که واژه میانجیگری با مفهوم سازش و سازش در میان علمای مسلمان ارتباط دارد، با توجه به اینکه سازش هدفی است که میانجیگری در پی دستیابی به آن است و این در تعریف آنها از سازش چنین تأیید می‌شود. خداوند رحمان در آیه ۹ سوره حجرات می‌فرماید: «و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر بازگشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را

کنونسیون‌های بین‌المللی تصریح شده است. علاوه بر ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد، کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه مربوط به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی کشورها را به حل مسالمت‌آمیز اختلافات تشویق می‌کند همچنین در مجامع بین‌المللی چندین قطعنامه درباره میانجیگری صادر شده است. (Osmańczyk 2003, 854) مجمع عمومی سازمان ملل مکانیسم میانجیگری از جمله بیانیه مانیل (۱۹۸۲) را تعیین کرد که در آن مجمع عمومی از کشورها خواست در صورتی که مذاکرات آنها به نتایج رضایت بخشی منتهی نشد، راه حلی را از طریق میانجی سازمان ملل متحد جستجو کنند. (UN Office of Legal Affairs 1992) در سال ۲۰۰۴، سازمان ملل متحد پس از افزایش توسل به میانجیگری، «واحد پشتیبانی میانجیگری» را تأسیس کرد. (Herrberg 2012, 9)

انگیزه‌های زیادی برای توسل به میانجیگری وجود دارد که برجسته‌ترین آنها اعتقاد به این است که طرفین درگیر منازعه‌ای پرهزینه‌ای هستند که نمی‌توان پیروزمندانه از آن بیرون آمد. (Lázaro 2003) برخی از طرف‌ها ممکن است برای حفظ آبروی خود با استفاده از میانجیگری هرگونه امتیاز غیرمطلوبی که در توافقنامه صلح می‌آید، را بپذیرند. ممکن است طرفین به دلیل این باور که میانجیگری به عنوان ضامن اجرای توافق عمل خواهد کرد، آن را درخواست کنند. (Wilkenfeld, et al. 2003) طرف ثالث می‌تواند نقش مهمی در برخورد با اختلافات بین‌المللی ایفا کند. در کوتاه مدت، هدف هر میانجیگری بالقوه این است که با جستجوی راهکارهایی برای عبور از وضعیت بحرانی، از تبدیل بحران به جنگ جلوگیری کند. در بلندمدت نیز هدف میانجیگری ایجاد شرایط برای بهبود روابط دیپلماتیک بین طرفین اختلاف

۴. چگونگی حل و تفکیک اختلافات در عصر نبوی
خلافت در دیپلماسی و مهارت در حل تعارضات
از ویژگی‌های پیامبر اسلام (ص) بوده است. برای مثال می
توان به راه حل خلافت‌ایشان در مناقشه اشراف مکه بر سر
افتخار بازگرداندن حجر الاسود به جایگاه قدیمی، اشاره کرد.
(این هشام ۱۹۹۲، ۱۹۶) در این بخش، برجسته‌ترین
راهبردهای مذاکره و میانجیگری رسول اکرم (ص) ارائه می
شود. برای این منظور، عهدنامه حدیبیه انتخاب شد که
مهارت‌های مذاکره‌ایشان را برجسته می‌کند و منشور مدینه
نمونه اولیه‌ای است که نشان دهنده مهارت رسول خدا به
عنوان میانجیگر است.

۴-۱. برجسته‌ترین راهبردهای مذاکره‌ای در عهدنامه حدیبیه
صلح حدیبیه، یا پیمان حدیبیه یا غزوه حدیبیه، پیمان
صلحی بود که بین پیامبر اسلام (ص) و مشرکان مکه در
سال ششم هجری به امضا رسید. همچنین در سوره فتح بدان
اشاره شده است. پیامبر اسلام (ص) سال ششم هجری قصد
انجام عمره را داشت که با ممانعت مشرکان مکه روبرو شد،
لذا به حدیبیه رفت و بعد از چندین بار گفتگو با نمایندگان
قریش، بنا به پیشنهاد پیامبر، تصمیم بر صلح و عدم جنگ
گرفتند. در پی این صلح‌نامه قرار شد که طرفین ده سال
جنگ را کنار گذاشته و در این مدت مردم در امنیت و آرامش
زندگی کنند. این صلح در کمتر از دو سال توسط مشرکان
قریش نقض شد. از مهم‌ترین فواید این صلح، زمینه‌سازی

دوست می‌دارد^۱» این آیه و آیات مشابه دیگر قرآن کریم،
مشروعیت میانجیگری را به عنوان ابزاری برای حل اختلافات
تثبیت می‌کند. همچنین از سنت عملی پیامبر (ص) استنباط
می‌شود. میانجیگری در فقه اسلامی جایگاه برجسته‌ای
دارد. فقه اسلامی خواهان هماهنگی و همبستگی میان
اعضای جامعه است و روحیه تساهل را از طریق اصرار بر
اخوت و برادری، آشتی دادن روابط و میانجیگری بین طرفین
درگیر منازعه ترویج می‌کند. از اینرو، میانجیگری به عنوان
وسیله‌ای برای رسیدن به آرامش اجتماعی در میان مسلمانان
مورد تایید قرار گرفته است. چنانکه خداوند متعال مفاد شرع
اسلام را با منش انسانی به دور از دایره روابط خشک
قراردادی رنگ آمیزی کرده است. در قرن چهارم هجری
قمری قاضی ابویعلی الفره (متوفی ۱۰۶۶/۴۵۸) در بیان
وظایف قاضی در رسیدگی به شکایات می‌گوید: «سپس آنها
[یعنی طرفین دعوا] به میانجیگری ارجاع می‌شوند اگر منجر
به سازش نشد در غیر این صورت قاضی بین آنها تصمیم می
گیرد» (ابویعلی الفراء ۲۰۰۰، ۸۲). بنابراین، هر رویه‌ای که
در فرآیند میانجیگری اعمال شود، مادامی که مردم را به
انفاق نزدیک کند و از فساد دور نگه دارد و با احکام شرع
اسلام منافات نداشته باشد در شرع معتبر است. از اینرو،
«شخص ثالث» ارجح در رویکرد اسلامی علاوه بر داشتن
حس قوی از خیر عمومی و موقعیتی در جامعه مانند: سن،
تجربه و رهبری؛ در واقع، فردی خودی، بی‌طرف و دارای
ارتباط با طرفین اصلی منازعه است. (Irani and Funk 1998)

^۱ وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَتَأْتُوا
الْبَیَّتَ تَبْنِیَ حَتَّىٰ تَفْئِئَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاتَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُقْسِطِينَ (۹)

برای فتح مکه بود که مدت کوتاهی پس از صلح حدیبیه به وقوع پیوست.

محققان تاکید می کنند که استراتژی و روش‌های مذاکره توسط عوامل مختلفی تعیین می شود که مهمترین آن استحکام موضع تیم مذاکره کننده است. (Ganesan 1993) از این رو پیامبر (ص) راهبرد صلح و پرهیز از درگیری را برای مدیریت مذاکره با قریش برگزید که با توجه به اینکه مسلمانان در جبهه‌های مختلفی با تهدید مواجه بودند؛ بهترین راهبرد در تحلیل موقعیت مسلمانان بوده است. چنان که می فرمایند: «ما برای جنگ با احدی نیامدیم، بلکه برای انجام عمره آمده‌ایم» به فرمان پیامبر، مسلمانان سلاحی جز سلاح مسافر (شمشیر در نیام) نداشتند و برای اینکه نشان دهند قصدشان جنگ نیست، احرام بستند و هفتاد شتر قربانی را که با جُل پوشانده بودند، پیشاپیش کاروان راندند. (ابن سعد ۱۹۹۰، ۷۳) با این حال، در میانه راه، به اطلاع پیامبر رسید که مشرکان مکه از حرکت مسلمانان آگاه شده و قسم خورده‌اند که نگذارند به مکه وارد شوند. قریش جنگجویان خود را در بَلَدَح در خارج مکه گرد هم آورد و خالد بن ولید را با دویست سوار تا کُراع الغَمیم به مقابله مسلمانان فرستادند. هنگامی که حضرت محمد (ص) از این موضوع آگاه شدند، فرمودند: «وای بر قریش که جنگ آنان را نابود کرد.» (ابن هشام ۱۹۹۲، ج ۳، ۷۷۵) در واقع، سران قریش ورود مسلمانان به مکه را نوعی تحقیر خود و موجب طعن بیشتر اعراب می‌دانستند. بر این اساس پیامبر اکرم (ص) سیاست‌های متعددی را ابلاغ کرد که در خدمت راهبرد صلح است که در این باره می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ممانعت از تلاش‌های قریش برای تشدید اوضاع به سوی جنگ، اولین راهبرد رسول خدا بود. مشرکان در پی بهانه‌ای بودند که به مسلمانان حمله و آنان را نابود کنند، به‌ویژه آنکه می‌دانستند ایشان جز شمشیر سلاح دیگری به همراه ندارند، اما تدابیر پیامبر (ص) مانع از موفقیت قریش گردید. (الواقدی ۱۹۸۹، ج ۲، ۵۷۹) ایشان به سیاست خویشتن داری پایبند بود و در عین حال توانایی بازدارندگی را بدون درگیری مستقیم با قریش نشان داد تا دریچه آشتی را باز نگه دارد. از بررسی اخبار قریش و جمع آوری اطلاعات از حرکات آنان غافل نشد. سپس به مسلمانان دستور دادند که به نوبت از اردوگاه مسلمانان محافظت کنند. (الحکمی ۱۹۸۶) در ادامه مذاکره پیامبر (ص) با سران قریش، ایشان عثمان را به مکه فرستاد در پی آن، شایع شد که قریش وی را به قتل رسانده‌اند (ابن الاثیر ۱۹۶۶، ج ۲، ۲۰۳) مسلمانان برای مقاومت در برابر دشمن، در زیر درختی در حدیبیه با رسول خدا (ص) پیمانی بستند که به «بیعت شجره» یا «بیعت رضوان» مشهور شد و خداوند متعال در قرآن کریم بدان اشاره فرموده است. در این هنگام خبر رسید که فرستاده پیامبر (ص) سالم است و همراه با نماینده تام‌الاختیار قریش به‌سوی حدیبیه می‌آید. (ابن هشام ۱۹۹۲، ج ۳)

استقبال حضرت از مذاکره کنندگان قریش، همچنین مهارت ایشان در خواندن شخصیت آنها و پیش بینی سیاست‌هایی که آنها مطابق با آن عمل کردند، یعنی تسلط بر آنچه که نلرنبرگ و همکارش آن را کلیدهای غیرکلامی می‌نامد (Nierenberg and Calero 2008)؛ راهبرد دوم پیامبر اکرم بود.

پیامبر(ص) در مذاکره مستقیم با سهیل بن عمرو، تحریکات او را دور زد؛ نمونه‌ای از تدبیر پیامبر، قبول درخواست سهیل

مدینه - یثرب در گذشته - متشکل از اقوام مختلف با ترکیباتی متعدد عقیدتی و اجتماعی بود که ساکنان عرب آن قبایل اوس و خزرج بودند که پس از هجرت رسول خدا (ص) به انصار شناخته شدند. در مدتی که اوس و خزرج بر یثرب تسلط داشتند، از چگونگی اداره شهر اطلاع دقیقی در دست نیست، به‌ویژه آنکه میان دو تیره چنان رقابتی درگرفت که به جنگها و نزاعهای خونین و دراز مدت منتهی شد و یهودیان بی‌گمان در افروختن آتش فتنه میان دو تیره نقش فعال داشتند. از آنجا که قدرت دو تیره تقریباً برابر بود، هر یک می‌کوشیدند با انقصاد پیمان با گروهی از قبایل مشهور یهودی در یثرب، بر دیگری تفوق یابند، چنانکه اوسیان با بنی قریظه و خزرجیان با بنی نضیر هم پیمان شدند. (أبو الفرج الإصفهانی ۱۹۹۴، ج ۱۷، ۱۱۸) جنگ بعثت (آخرین منازعه اوس و خزرج) طرفین را به ستوه آورد، و بعد از متارکه، زمینه روانی لازم برای نفوذ و انتشار اسلام را در یثرب فراهم ساخت. به طوری که دو - سه سال بعد، دیدارهای پیاپی مردم یثرب با پیامبر (ص) در موسم حج (دهم تا دوازدهم بعثت) به بیعت اول و بیعت دوم عقبه و نهایتاً هجرت آن حضرت و سایر مسلمانان به یثرب (مدینه) انجامید. (ابن هشام ۱۹۹۲، ج ۲، ۷۰)

دلایلی که قبایل یثرب، نفوذ پیامبر اکرم (ص) را پذیرفتند و اینکه او در مقام میانجیگر برای حل اختلافات بین آنها تصمیم گرفت، از این قرار است: نخست آنکه در این موضوع خلأ رهبری وجود داشت. دوم، در آن زمان میان اعراب مرسوم بود که اختلاف را به میانجیگرها ارجاع دهند و سوم آنکه رسول اکرم (ص) با قبایل متخاصم ارتباطی نداشت و ایشان فرد خوشنامی بودند که همگان حضرت را به راستگویی و امانت داری می‌شناختند. (Yildirim 2010)

بن عمرو بود مبنی بر حذف «بسم‌الله الرحمن الرحیم» از ابتدای صلح‌نامه و نوشتن «باسمک‌الله» به جای آن، و نیز حذف عنوان رسول‌الله بعد از نام آن حضرت و نوشتن «محمد بن عبدالله» به جای آن که در ادامه پیغمبر (ص) اجازه داد و فرمود: «به خدا سوگند من رسول خدا هستم هر چند مرا انکار کنید». (الواقدی ۱۹۸۹، ج ۲، ۶۱۰)

پیامبر اکرم (ص) در حکمت خود بر آنچه کارشناسان مذاکره از آن به عنوان آثار بلندمدت مذاکره یاد می‌کنند، توجه داشتند؛ (Nierenberg and Calero 2008, 109) مانند تأمین امنیت مسلمانان، دعوت و به رسمیت شناختن حکومت ایشان. برخلاف قریش که - با کوتاه فکری خود - گرفتار غضب خود از پیامبر اسلام شدند و آثار کوتاه مدت مذاکرات را پذیرفتند؛ مثلاً مسلمانان در همان سال به دلیل آبروی آنها در مقابل قبایل دیگر، عمره را به جای نیاروند و از کسانی که بدون اجازه در مدینه اسلام آورده اند پذیرایی نکنند. (الواقدی ۱۹۸۹، ج ۲، ۵۷۹)

یکی از رازهای قدرت مذاکره، به گفته راجر داوسون این است که مذاکره‌کننده قوی کسی است که بتواند به طرف مقابل احساس پیروزی بدهد، علی‌رغم اینکه هر آنچه می‌خواهد به دست آورد. (داوسون ۲۰۰۳، ۳) پیامبر اکرم (ص) با مهارت مذاکره خود، اگرچه امتیازاتی به دشمن داد که موجب دلخوشی آنان شد، ولی در ضمن این پیمان، امتیازاتی از مشرکان گرفته شد که مبنای پیروزی اسلام و شکست شرک بود. قریش با امضای این پیمان، درواقع همان دینی را که سال‌ها برای نابودی آن تلاش کرده بود و از آن خسارت‌های بسیار دیده بود، به رسمیت شناخت.

۲-۴. برجسته‌ترین راهبردهای میانجیگری در منشور مدینه

که درگیر مسئله بودند، تقسیم شد. منشور مدینه در مواد (۴-۱۱) و (۲۵-۳۵) طرف‌های تأثیرگذار در مناقشه یثرب را مشخص کرد. این شناسایی فردی مولفه‌های جمعیتی مردم مدینه، همزمان با تقسیم برخی اختلافات بر سر زمینه‌های مشترک، پیامبر (ص) را قادر ساخت تا شرکت کنندگان در قرارداد را با پیشینه‌های مختلف مذهبی آشتی دهد و آنان را به شناخت منافع مشترکی که فراتر از تقسیمات قبیله‌ای و مذهبی آنهاست و با به دارد. بدین ترتیب خطوط کشمکش قبیله‌ای و مذهبی مخدوش شد.

۲- توسعه اهداف مشترک: یکی از راه‌های حل تعارض این است که مذاکره کننده بیشتر بر منافع تمرکز کند تا قدرت؛ زیرا قدرت اغلب باعث تضاد می شود، در حالی که منافع، حل و فصل تعارضات را تحریک می کند. (Ury, Brett and Goldberg 1988, 9) منشور چند هدف مشترک را بین همه اجزای جمعیت شهر مقرر کرده بود، از جمله آنچه در ماده ۱۳ آمده بود: «مؤمنان پرهیزکار باید در برابر آن فردی که از میان آنان یاغی شود یا بخواهد به دیگران تجاوز کند و ستمکاری نماید یا این که موجبات تعدی و جنایتی را فراهم سازد یا در میان مؤمنان فساد ایجاد کند، همه با یکدیگر همکاری کنند و او را مغلوب سازند؛ گو این که قیام کننده و متجاوز فرزند یکی از مؤمنان باشد». در این منشور همچنین تأکید شده است که شرکت کنندگان وظیفه‌ای الزام آور برای کمک به دفع هرگونه حمله به یثرب دارند و هزینه‌های آن در مواد (۳۸ و ۳۷) بین مسلمانان و یهودیان تقسیم شده است. این ترتیبات مسئولیت جمعی را تشویق می کند و طرفین را وادار می کند تا فراتر از اتحادهای قبیله‌ای نگاه کنند، بنابراین به حل مناقشه کمک می کند.

این اساس، مشروعیت پیامبر در داوری مبتنی بر این بود که یک رهبر محترم و بی طرف بود. محمد حمیدالله در کتاب خود اشاره می کند که پیامبر (ص) در تلاش برای پایان دادن به مناقشه‌ای که نسل‌های متمادی منطقه را گرفتار کرده بود، در جریان مذاکره و تنظیم پیمان با سران هر قبیله مشورت کرد، به نیازهای همه اقوام گوش فرا دهید و بدین ترتیب تمایل خود را به این امر نشان داد. (Hamidullah 1981, 9) گفتنی است؛ منشور مدینه شامل سه بند مجزا است: اولی مربوط به مسلمانان، دومی مربوط به یهودیان و سومی احکام کلی مربوط به شرایط مدینه است. (المطیری ۲۰۱۲) این منشور نمونه تاریخی حل تعارض در اسلام است. اگرچه اطلاعات زیادی در مورد روند دقیقی که پیامبر اکرم (ص) در تدوین منشور مدینه به کار برد، در دست نیست، اما تحلیل بخش‌های منشور نشان می دهد که پیامبر (ص) در توسعه خود از تکنیک‌های موجود در نظریه‌های مدرن میانجیگری به عنوان ابزاری برای حل تعارض استفاده کرده است. و این موارد را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- تقسیم منازعه: تقسیم اختلاف در واقع، روشی است برای حل و فصل اختلافات از طریق تقسیم مسئله به اجزای کوچکتر سپس با چیدمان مجدد این اجزا به روشی جدید، وضعیت بازسازی می شود یا اولویت‌هایشان را تغییر می دهند. این روش به رفع بن بست در موضوع مناقشه و برطرف کردن موانع در روند صلح کمک می کند. این روش همچنین به میزان قابل توجهی باعث کاهش تنش می شود، زیرا هیچ یک از طرفین به احتمال زیاد بر سر چیزی که ممکن است یک موضوع جزئی در نظر گرفته شود با هم دعوا نمی کنند. (Coleman, Morton and Marcus 2014) منشور مدینه به چهل و هفت ماده به شیوه‌ای متناسب با منافع و ساختارهای قدرتی

۳- رویکرد تغییر قدرت: جمعیت یثرب به قبایل متخاصم تقسیم شد که هر یک به طور مستقل عمل می کردند و جامعه‌ای پر از تنش‌های مکرر را ایجاد می کردند. پیامبر اکرم (ص) با تغییر قدرت توزیع و تبدیل آن از طریق انتصاب، با جنگ‌های قدرت، مقابله کرد. همانطور که منشور صریحاً وجود مرجع عالی را تأیید کرد که در ماده (۴۵) اختلافات آتی به آن اشاره شده است: «هرگاه بین کسانی که تابع این دستور هستند، کشتاری روی دهد یا مشاجره‌ای درگیرد که بیم فساد در آن باشد، مرجع امر رسیدگی خدا و محمد (ص) (که فرستاده خداست) خواهند بود و خدا ضامن پرهیزگارترین و نیکوکارترین پیروان این سند است.» منشور مدینه بروز هرگونه اختلاف بین طرفین شرکت کننده در مواد (۱۷ و ۱۵) را ممنوع کرده است. ماده (۴۷) طرفین قرارداد را موظف می کند که در برابر هرگونه تعرض به یثرب، یکدیگر را یاری دهند: «پیروان این سند در برابر کسانی که به مدینه حمله کنند، یکدیگر را یاری خواهند کرد.» از سوی دیگر، منشور مدینه، از ترتیبات قبیله‌ای چشم پوشی کرد، اما منبع هویت را به دین تبدیل کرد. همچنین دعوت به همکاری یهودیان و مسلمانان به عنوان یک جامعه، همانطور که در ماده (۴۷) تصریح شده است، این امر به طرفین امکان داد ضمن کنار گذاشتن دشمنی قبیله‌ای، چهره خود را حفظ کرده و بار دیگر به فراسوی نگاه کنند. اتحادهای قبیله‌ای از این رو پیامبر (ص) با استفاده از فنون تقسیم منازعه، توسعه اهداف مشترک و دگرگونی ادراکات قدرت توانست منازعه مدینه را حل کند.

نتیجه گیری

طبق یافته‌های پژوهش، اسلام در توسعه حوزه حل و فصل اختلافات و در اختیار داشتن ابزارهای برقراری صلح از جمله

راه حل‌های مسالمت آمیز برای اختلافات بین المللی مشارکت دارد. صلح، بر اساس مدل غربی، مفهومی سیاسی بوده و عدالت اولین قربانی آن محسوب می شود؛ اما از دیدگاه اسلام، ایدئولوژی صلح و حل منازعه مبتنی بر ارزش‌های عدالت و مفهوم استوار حق است، هر چند این امر منجر به حل نشدن برخی منازعات گردد. این پژوهش ثابت کرد که مذاکره منشأ ثابتی در قرآن و سنت دارد و علاوه بر ذکر برخی از فنون آن در مباحث فقهی، احکام آن در اسلام بیشتر با مبانی نوین مذاکره سازگار است. واژه میانجیگری در فقه اسلامی با مفهوم سازش به عنوان هدفی که میانجیگری به دنبال دستیابی به آن است، مرتبط است؛ ولی مدل غربی ایجاد می نماید که میانجی یک طرف خارجی بی طرف و حرفه‌ای رسمی باشد. در مورد الگوی اسلامی، ترجیح این است که میانجی یک طرف داخلی باشد که تجربه و جایگاه داشته باشد و با طرفین اختلاف ارتباط داشته باشد. روشی که پیامبر اکرم (ص) برای حل بحران حدیبیه به کار بست، نشان گر برخورداری وی از توانایی بالای مذاکره بود که او را قادر می ساخت بحران را به سمت اجتناب از درگیری هدایت کند و یک سری سیاست‌ها را فعال نماید که قریش را مجبور به ترک رویارویی کرد و بحران را به گونه‌ای پایان دهند که در خدمت دعوت اسلامی باشد. سرانجام، تجزیه و تحلیل منشور مدینه نشان داد که پیامبر اکرم (ص) در رسیدن به اهداف از تکنیک‌های موجود در نظریه‌های مدرن میانجی‌گری به عنوان ابزاری برای حل منازعات بهره می برد که در تجزیه و تحلیل منازعه نشان داده می شود. اهداف مشترک را توسعه دهید و درک قدرت را تغییر دهید.

جمشیدی، محمد حسین. ۱۳۹۶. "بررسی و تبیین مقوله صلح در نظریه مدینه المسالمة (شهر صلح) فارابی و نظریه صلح پایدار کانت." جستارهای سیاسی معاصر ۸ (۳): ۱-۲۸.

الحکمی، حافظ بن محمد. ۱۹۸۶. مروجات غزوه الحديبيه جمع وتخریج ودراسه. المدینة المنورة: مطابع الجامعة الإسلامية.

داوسون، روجر. ۲۰۰۳. أسرار قوة التفاوض. الرياض: مكتبة جریر.

الراغب الاصفهانی، الحسین بن محمد. ۱۹۹۲. المفردات فی غریب القرآن. دمشق: الدار الشامیة.

الزحلی، وهبة. ۱۹۹۳. "المفاوضات فی الاسلام." مجلة كلية الدراسات الاسلامیة والعربیة الامارات، ۷: ۳۱-۵۵.

السرخسی، محمد بن أحمد. ۱۹۹۷. شرح السیر الکبیر. جلد ۲. بیروت: دار الکتب العلمیة.

الفتلاوی، سهیل حسین. ۱۹۸۶. المنازعات الدولیة، بغداد: الذاکرة للنشر والتوزیع.

المطیری، حاکم. ۲۰۱۲. "صحیفة المدینة بین التتصال والیرسال: دراسة حدیثیة." مجلة الشریعة والدراسات الإسلامیة، الکویت ۲۷ (۸۸): ۱۶۱-۱۹۲.

الواقدي، محمد بن عمر. ۱۹۸۹. المغازی. بیروت: دار العلمیة.

شفیعی، نوذر، و سید محمد علی نوربان. ۱۳۹۳. "تجزیه و تحلیل سیاست اتحادیه اروپا در افغانستان بر اساس نظریه صلح لیبرال." فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۰ (۶۰): ۶۱-۹۱.

ضمیریة، عثمان. ۱۹۹۹. أصول العلاقات الدولیة فی فقه الامام محمد بن الحسن. عمان: دار المعالی.

قربان نیا، ناصر. ۱۳۷۹. "فقه و حقوق بین الملل." قبسات ۱۵ و ۱۶.

کاظمی، سید علی اصغر. ۱۳۷۰. نظریه همگرایی در روابط بین الملل، تجربه جهان سوم. تهران: چاپ پیک ایران.

کریمی، مهدی، مصطفی قادری حاجت، و رضا الهوردیزاده. ۱۳۹۹. "نقش همگرایی اروپایی در حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات سرزمینی و مرزی." فصلنامه سیاست جهانی ۹ (۲): ۲۰۵-۲۳۰.

کولائی، دکتر الهه. ۱۳۷۹. "تحول در نظریه های همگرایی." مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۴۸: ۱۵۵-۱۹۲.

سیاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

ابراهیم گل، علیرضا، و سیامک کریمی. ۱۳۹۶. "دیالکتیک صلح و بربریت: مطالعه و نقد نظریه لیبرالی حقوق بین‌الملل." فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۱ (۴۷): ۱۷۷-۲۰۰.

ابن الأثیر. ۱۹۶۶. الكامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.

ابن سعد، محمد بن سعد. ۱۹۹۰. الطبقات الکبری. جلد ۲. بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن عقیل، علی بن أبی الوفاء البغدادی. ۲۰۰۹. الجدل فی الاصول. بیروت: الکتب العلمیة.

ابن مسکویه، أحمد بن محمد. ۱۹۹۱. تهذیب الاخلاق. القاهرة: مكتبة المعرفة الدینیة.

ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۹۹۳. لسان العرب. جلد ۸. بیروت: دار صادر.

ابن هشام، عبد الملک. ۱۹۹۲. السیرة النبویة. بیروت: سهیل زکار.

أبو الفرج الإصفهانی. ۱۹۹۴. الأغانی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

أبوعلی الفراء، محمد بن الحسین. ۲۰۰۰. الاحکام السلطانیة. بیروت: دار الکتب العلمیة.

Hogan, Michael. 1992. *The End of the Cold War: Its Meaning and Implications*. Cambridge: Cambridge University Press.

Huntington, Samuel P. 2011. *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster.

Irani, George E, and Nathan C. Funk. 1998. "Rituals of Reconciliation: Arab-Islamic Perspectives." *Arab Studies Quarterly* 53-73.

Khadduri, Majid. 2002. *The Islamic Conception of Justice*. New York: JHU Press.

Kleiboer, Marieke. 1998. *The Multiple Realities of International Mediation*. London: Lynne Rienner Publishers.

Lázaro, M. 2003. "The effectiveness of international mediation: The current debate." *International Law: Revista Colombiana de Derecho* 2: 319-341.

Mango, Anthony, and Edmund Jan Osmanczyk. 2003. *Encyclopedia of the United Nations and International Agreements: G to M*. London: Taylor & Francis.

Mani, Rama, and Richard Ponzio. 2018. "Peaceful Settlement of Disputes and Conflict Prevention." In *The Oxford Handbook on the United Nations*, by Thomas G Weiss and Sam Daws, 300-322. Oxford: Oxford University Press.

Merrills, J. G. 2017. *International Dispute Settlement*. Cambridge University Press.

Nierenberg, Gerard I, and Henry H Calero. 2008. *The New Art of Negotiating—Updated Edition: How to Close Any Deal*. New York: Square One.

Oppenheim, Lassa. 2005. *International Law: A Treatise*. New Jersey: The Lawbook.

Osmańczyk, Edmund Jan. 2003. *Encyclopedia of the United Nations and International Agreements: T to Z*. London: Taylor & Francis.

Przetacznik, F. 1983. *Protection of Officials of Foreign States According to International Law*, London: BRILL.

Rapoport, Anatol. 2012. *Game Theory as a Theory of Conflict Resolution*. 1974th Edition. Boston: Reidel Pub.

Reimer, Laura E, Cathryne L Schmitz, Emily M. Janke, Ali Askerov, Barbara T Strahl, and Thomas G Matyók. 2015. *Transformative Change*:

محمدحسین، جمشیدی. ۱۳۹۶. "بررسی و تبیین مقوله صلح در نظریه مدینه المسالمة (شهرصلح) فارابی و نظریه صلح پایدارکانت." *جستارهای سیاسی معاصر* (۸): ۲۵-۲۸.

مهدی، موحدی‌نیا، علی مظهر قراملکی، و سید محمد حسینی. ۱۳۹۷. "اصول و قواعد بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره." *فصلنامه پژوهش های فقهی* ۱۴ (۳): ۵۸۱-۶۰۶.

میرمحمدی، مهدی، و محسن کریمی شیرودی. ۱۴۰۲. *فرایندهای منحصر به فرد، وضعیت‌های یکسان؛ بررسی الگوی همگرایی در جهان سوم*.
<https://tfpsq.net/fa/post.php?id=44>

Babbitt, Eileen, and Fen Osler Hampson. 2011. "Conflict Resolution as a Field of Inquiry: Practice Informing Theory." *International Studies Review* 13 (1): 46-57. doi:
<https://doi.org/10.1111/j.1468-2486.2010.00997.x>.

Bercovitch, J, T Anagnoson, and D Wille. 1991. "Empirical Trends in the Study of Successful Mediation in International Relations." *Journal of Peace Research* 28 (1): 7-17.

Coleman, Peter T, Deutsch Morton, and Eric C Marcus. 2014. *The Handbook of Conflict Resolution: Theory and Practice*. New Jersey: Jossey-Bass.

Collier, John, and Vaughan Lowe. 2000. *The Settlement of Disputes in International Law*. Oxford: Oxford University Press.

Ganesan, Shankar. 1993. "Negotiation Strategies and the Nature of Channel Relationships." *Journal of Marketing Research* 30 (2): 183-203.

Grant, Cedric H., and R. Mark Kirton. 2007. *Governance, Conflict Analysis and Conflict Resolution*. Kingston: Ian Randle Publishers.

Hamidullah, Muhammad. 1981. *The First Written Constitution in the World: An Important Document of the Time of the Holy Prophet*. Lahore: Muhammad Ashraf.

Hashmi, Sohail H. 2002. *Islamic Political Ethics: Civil Society, Pluralism, and Conflict*. Princeton: Princeton University Press;

Hayward, Susan. 2012. *Religion and Peacebuilding: Reflections on Current Challenges and Future Prospects*. Washington: United States Institute of Peace.

Herrberg, Antje. 2012. *International Peace Mediation: A New Crossroads for the European Union*. Geneva: DCAF Brussels.

- K Schraub. Washington DC: United State Institute of Peace Press.
- An Introduction to Peace and Conflict Studies. Pennsylvania: Lexington Books.
- Wilkenfeld, Jonathan, Young Kathleen, Victor Asal, and David Quinn. 2003. "Mediating International Crises: Cross-National and Experimental Perspectives." *The Journal of Conflict Resolution* 47 (3): 279-301. doi: <https://www.jstor.org/stable/3176290>.
- Richmond, Oliver P. 2002. *Maintaining Order, Making Peace*. London: Palgrave Macmillan.
- Yildirim, Yetkin. 2010. "The Medina Charter: A Historical Case of Conflict Resolution." *Islam and Christian-Muslim Relations Journal* 20 (4): 439-450. doi: <https://doi.org/10.1080/09596410903194894>.
- Rogoff, Martin A. 1994. "The Obligation to Negotiate in International Law: Rules and Realities." *Michigan Journal of International Law* 16 (1): 141-185.
- Žakowska, Marzena. 2017. "Mediation in Armed Conflict." *Security and Defence Quarterly* 17 (4): 74-99.
- Sachedina, Abdulaziz. 1996. "War and its Discontents: Pacifism and Quietism in the Abrahamic Traditions." In *Justification for Violence in Islam*. Washington: Geo Press.
- Zartman, William. 1973. "Negotiation: Theory and Reality." *Journal of International Affairs* 29 (1): 69-77.
- Salem, Paul E. 2007. "A Critique of Western Conflict Resolution from a Non-Western Perspective." *Negotiation Journal* 9 (4): 361 - 369.
- Zartman, William. 2001. "The timing of peace initiatives: Hurting stalemates and ripe moments." *Global Review of Ethnopolitics* 8-18. doi: <https://doi.org/10.1080/14718800108405087>.
- Seul, Jeffrey R. 1999. "Ours Is the Way of God': Religion, Identity, and Intergroup Conflict." *Journal of Peace Research* 36 (5): 553-569.
- Susskind, Lawrence, and Eileen Babbitt. 1994. "Overcoming the Obstacles to Effective Mediation of International Disputes." In *Mediation in International Relations*, by Jacob Bercovitch and Jeffrey Z Rubin, 30-51. London: Springer.
- Tziarras, Zenonas. 2012. "Liberal Peace and Peace-Building: Another Critique".
- UN Office of Legal Affairs. 1992. *Handbook on the Peaceful Settlement of Disputes between States*. New York: United Nations Publications. <https://legal.un.org/cod/books/HandbookOnPSD.pdf>.
- UNIC. 1945. "منشور ملل متحد". United Nations Information Centres. Accessed 2023. https://unic.un.org/aroundworld/unics/common/documents/publications/uncharter/tehran_charter_persian.pdf.
- Ury, William L, Jeanne M Brett, and Stephen B Goldberg. 1988. *Getting Disputes Resolved: Designing Systems to Cut the Costs of Conflict*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Wallensteen, Peter. 2011. *Understanding Conflict Resolution: War, Peace and the Global System*. Third edition. Thousand Oaks: SAGE Publications Ltd.
- Weigel, George. 1992. "Religion and Peace: An Argument Complexified." In *Resolving Third World Conflict: Challenges*, by S Brown and